

نگاهی گذر ا به صنایع دستی

شمال و جنوب ایران

۱. فیوضات

مقدمه

مردم این سرزمین است ۱۰ یاقوت جموی جغرافیدان، زبردستی کاشانیان را در فن ظروف لعابی تحسین می‌کند. صنایع دستی و نساجی نیشابور، مرو، کازرون، بم و کرمان در روزگاری گسترده بود. در بخارا پارچه‌های پنبه‌ای و پشمین می‌بافتند و به‌خارج صادر می‌کردند. در شهر مذکور محله‌ای ویژه کارگران صنایع دستی بوده است. در شهر ترمذ صابون، بوریا و بادبزن مرغوب تهیه می‌شد. دیبای شوشتری در گذشته (قرن چهارم هجری) معروف بود (گوهرین ۱۲۸ - ۱۲۵). صنعت دستی مینیاتورسازی به اصفهان تعلق داشت. قلمزنی بر روی مس از هنرهای با ارزشی است که در باختران بجای مانده است. قلمزنی بر روی نقره و ورشو نیز متداول است. فراوانی خاک رس در لالچین همدان صنعت سفالگری را در آنجا سخت رونق داده است. وجود معدن فیروزه در خراسان صنعت دستی مربوط به فیروزه را رایج ساخته است. صنایع دستی تولید برک آ و سفالسازی استان

کشور ایران از نظر تاریخی سابقه درخشانی در صنایع خانگی و کارهای دستی دارد. این صنایع بنا بر شرایط گوناگون محیط زیست به اشکال مختلف ظهور می‌کنند و شبکه وسیعی از حرفه‌ها، هنرها و صنایع دستی را دربر می‌گیرد و استادان زبردستی را به جامعه عرضه می‌کند. این استادان فرهنگ ابزارسازی را نسل اندر نسل و سینه به سینه به‌شاکردان انتقال می‌دهند. مروری بر تاریخ گذشته ایران نشان می‌دهد که هریک از مناطق و شهرهای این کشور در حرفه‌وفنی استادند و نظامی را برای انتقال فرهنگی (با وجود جنگهای قبیله‌ای و تهاجم بیگانه) شکل می‌دهند. در واقع صنایع دستی و به ویژه صنایع سنتی بیش از هر صنعت وفنی نمایشگر تمایلات، ویژگیهای فرهنگی و شیوه‌های زیستی و میراث تمام نمای یک قوم، قبیله و ملت در هر عصری بوده است. صنعت قاللی‌بافی ایران، یکی از قدیمی‌ترین صنایع دستی ایران، معرف ذوق، سلیقه و فرهنگ

۱ - استان هرمزگان (قبلا "استان ساحلی) و استان گیلان

۲ - دانشمندان انگلیسی در مجله اخبار لندن (۱۹۵۲) درباره آثار مکشوفه در پایزیریک نوشته‌اند که قدمت فرش ایرانی در آنجا به حدود ۲۴۰۰ سال می‌رسد که در یخهای سیبری مرکزی محفوظ مانده است. (مستوفی ۲۵)

خراسان از معروفیت ویزه‌ای برخوردار است (ناصر مستوفی ۱۶۲ - ۲۸) ، خاتم‌سازی از صنایع مهم دستی شیراز است . نقره کاری این شهر در گذشته شهرت داشته است (صنعت نساجی ۱۳۴ تا ۱۲۰) .

در دوره حاکمیت فتحعلی‌شاه قاجار تنها در کاشان ۱۴ هزار کارگاه ، شعرافی و ابریشم‌بافی وجود داشته است . (آدمیت-ناطق - ۲۷۰ - ۲۶۹) یزدیها در ایجاد شبکه آبیاری قنات و بعدها شبکه آبیاری قطره‌ای شهرت کسب کرده‌اند . کرمان در نمدالی و شال‌بافی استادان بزرگی داشته است .

بدین ترتیب ، ما در کشوری رندگی می‌کنیم که گذشته پربراری را در زمینه حرف ، هنرها ، صنایع دستی و نظام آموزش استاد - شاگردی داشته است . بر ماست که این تاریخ پر بار و تجارب گرانبها را به شکل پشتوانه‌ای برای متحول کردن صنایع خانگی و دستی و دگرگونی کارهای تولیدی به‌ویژه در روستاها ، و تقویت روند صنعتی کردن کشور و استقلال سیاسی - اقتصادی آن بکار گیریم .

در این مقاله کوشش می‌شود تا صنایع دستی دو منطقه شمال و جنوب کشور که هم‌جوار دریاست به‌اختصار مورد بحث قرار گیرد . و مقایسه‌ای تطبیقی در این زمینه انجام گردد . این مقایسه از آن جهت مورد توجه است که هر دو منطقه در جوار دریا

بوده ، صنایع خانگی و دستی دو منطقه کاملاً " متاثر از شرایط اقلیمی و حیات سیاسی اقتصادی منطقه بوده است . در پایان مقاله به وضعیت منطقه جنوب پس از پیدایش نفت و گاز و اثرات آن بر روند اشتغال نیروی کار و در نتیجه به‌انزوای صنایع دستی و خانگی و تاثیر غیر مستقیم آن در گستردگی بخش خدمات در سایر نقاط ایران اشاره‌ای خواهیم کرد .

صنایع دستی استان هرمزگان

صنایع دستی منطقه از شش بخش عمده به شرح زیر تشکیل شده است :

۱ - صنایع پوشالی (نخل) ۴

۲ - صنایع سفالی

۳ - صنایع پارچه‌ای

۴ - صنایع چوبی و فلزی

۵ - صنایع تبدیلی

۶ - صنایع دستی جدید

صنایع خانگی مربوط به نخل طی یک زمان طولانی به حیات مادی و فرهنگی مردم هرمزگان به‌ویژه میناب به‌عنوان یکی از بزرگترین شهرهای (دارای ۴ میلیون رحله نخل) هرمزگان پیوند خورده است . وجود حدود هفت میلیون نخل در منطقه‌ها مکانات گسترده‌ای از نظر اشتغال در اختیار مردم قرار داده است . ۵ از نخل وسایل گوناگون دستی تهیه می‌شود که از آن جمله است :

۳ - بر اساس آمار صنایع دستی در سال ۱۳۴۷

۴ - جنوب با هوای گرم و مرطوب و درختانی همچون نخل و گیور و حیواناتی چون شتر و بز مشخصند . درختان نخل و گیور و حیوان چون شتر سمبل مقاومت ، پایداری در منطقه خشک و سوزان و لم یزرع هرمزگانند و داستانها در گرداگرد این سه به‌ویژه نخل و شتر دور می‌زند (شمال با هوای مدیترانه‌ای و جنگلی مملو از درختان راش ، توسکا ، شمشاد ، افرا و گردو و گوه‌های پریرف نمایان می‌شود .

جارو، حصیر، زنبیل، سبد، کفش، طناب کلاه، کیف، کفه‌های ترازوپی (ظرف ۳۰ کیلوئی خرما) ابزار بازی کودکان و غیره. صنایع ظریفه حصیری (گنئیکه گرد از جنس برگ نخل) در اندازه‌های مختلف با مصارف گوناگونی تهیه می‌شود - کفه ظرف حصیری که به‌عنوان ظرف میوه به‌کار می‌رود. گیل زنبیل بزرگ دسته‌دار از جنس حصیر که دو تار آنرا بر پشت چارپایان برای حمل جنس قرار می‌دهند. تک یا نوعی زیرانداز حصیری که امروزه با ورود تک‌چینی این صنعت دستی رو به انزوا گذارده است.

صنایع دستی سفال در روستاهای هرمزگان به‌اشکال متنوع تهیه و تولید می‌گردد: ظروف کروی برای نگهداری آب سرد (حدود ۱۰ تا ۱۲ لیتر) به‌نام محلی جهله مورد استفاده است و مرکز ساخت آن روستای شهسوار و حکمی است (پایان‌نامه پاکدامن). از سفال نوعی کوزه به‌نام (گدوک)، لیوان (برنگ) تفرار (لوار) و خمره سفالین (گراشی) تهیه و تولید می‌شود (فدایی‌نیا)

صنایع خانگی پارچه‌ای منطقه معمولاً

چادرشب است که در روستای کلیبی میناب رواج داشته، و روستای گدوک روزگاری مرکز کارگاه‌های پارچه‌بافی منطقه بوده است. ده سیکویی در تولید پارچه پوشش صورت بانوان (برقع) شهرت دارد ۶ گلابتون دوزی یعنی دوخت طرح‌های جالب روی پارچه به‌وسیله نوار زرین گلابتون هنوز ادامه دارد و نوار زرین آن شاید در ابتدا از هندوستان به این منطقه منتقل شده است. خونس دوری حرفه و هنری است ظریف و مورد استفاده افراد متمکن هرمزگان می‌باشد. جوال و خرجین دوزی از کارهای دستی میناب و روستاهای اطراف است.

صنایع دستی چوبی و فلزی اغلب در ارتباط با دریا و لنج‌سازی است که صنعت قدیمی منطقه به‌شمار می‌آید. این صنعت با استفاده از چوبهای محکم و با دوام منطقه امکان توسعه داشته است.

صنایع تبدیلی کشاورزی در منطقه متداول است. از خرما سرکه تهیه می‌کنند و از سرکه ترشی انبه می‌سازند که مصرف داخلی دارد. از بوته ناقد یا ناگرد عرقی تهیه

۵ نخل درخت قابل تقدیسی است که در گذشته (قبل از پیدایش نفت و قاچاق) خوراکی انرژی‌زای اهالی را به‌وجود می‌آورده است. از خوردن هسته آن غذای مقوی برای گاو تهیه می‌شده است. نوعی از محصول آن به‌نام خارک پخته منبع صادرات به هندوستان و کشورهای خارجی بوده است. نخل با کمی آب و سرپرستی در مناطق خشک و سوزان رشد و نمو می‌کند. از تنه درخت برای پوشانیدن سقف خانه‌ها استفاده می‌شود. از سن (جایی که خرما تولید می‌شود) برای شستشوی ظروف به‌کار می‌رود و اثر نامطلوبی نظیر پلاستیک در فضا بجانمی‌گذارد. از بخشی که خرما تولید می‌شود و می‌جوشانند و عروق طارونه تهیه می‌گردد که طب سنتی آن را مفید برای قلب می‌دانند. اکنون به‌علت فقدان رسیدگی، بازدهی نخل در هرمزگان بسیار پائین است.

۶ - برقع عبارت است از پارچه‌ای مشکی که پاره‌ای از آنها با نوار زرین به‌اطراف مزین شده است و صورت خانمها را به‌شکل ماسک می‌پوشاند. برقع معمولاً "در هرمزگان و به‌ویژه روستاهای آنجا متداول است.

می‌کنند که به شیوه طب سنتی برای قلب مفید است. از نخل عرق طارونه عمل می‌آورند که سخت مورد استفاده است.

صنایع دستی جدید، اغلب در زمینه صنعت ده و پنجره‌سازی، تراشکاری، جوشکاری و تعمیرات اتومبیل و بلوک‌زنی است که هم اکنون نیروی کار قابل توجهی را به علل ورود ارز از امارات و صنعت ماشینی به خود جذب کرده است. صنعت جدید دستی در سراسر کشور متفاوت عمل نمی‌کند و مانند صنایع خانگی آنچنان تابع شرایط فرهنگی و خلق و خو و سنت اجتماعی نیست. با گسترش صنعت ماشینی در کشور، صنایع جدید تراشکاری در و پنجره‌سازی، تانکر سازی رواج پیدا کرده و تنها کمیت آنها مطرح است.

تاثیر شرایط جغرافیای اقتصادی بر روی صنایع دستی

شرایط اقلیمی تاثیر مستقیمی بر روی صنایع دستی هر دو منطقه داشته است که بطور اختصار به تشریح آن می‌پردازیم:

الف - صنایع دستی هرمزگان

صنایع دستی جنوب بیشتر متأثر از درخت نخل است که نقش اقتصادی و فرهنگی خود را تا سالهای پیش از پیدایش نفت جنوب حفظ کرده بود. دوم تنوع این صنایع دستی آنچنان زیاد است که اثرات آن در تاروپود زندگی مردم به‌ویژه در روستاها مشاهده می‌گردد. سوم این تاثیرات در زندگی اقتصادی کاملاً "به چشم می‌خورد. کلیه ضروریات زندگی از زیرانداز، سینی و سبد میوه‌خوری و ظرف خرما و بیشترین وسایل معیشت از تولید این درخت تامین می‌شود.

چهارم صنایع تبدیلی یعنی تغییر خرما

به سرکه و ایجاد عرق طارونه نیز از تولید نخل حاصل می‌شود به علاوه الکل صنعتی که موارد استفاده بسیاری دارد از تخمیر خرما به دست می‌آید.

پنجم نقش نخل در زندگی فرهنگی و اجتماعی مردم از طریق صنایع دستی مشاهده می‌شود. از نخل وسایل بازی کودکان تولید می‌کنند. این وسایل کودک را از طفولیت با مفید بودن و قابل تقدیس بودن این درخت آشنا می‌سازد و در پی آن داستانها در زمینه بردباری و ایستادگی این درخت مقاوم و پرثمر میان اهالی بومی شایع می‌گردد. این داستانها تحمل و مقاومت اهالی را در مقابل ناملایمات طبیعی - اجتماعی تشویق می‌نماید.

ششم صنایع دستی لنج‌سازی و بلم‌سازی از روزگاران گذشته تا به امروز در منطقه هرمزگان ادامه داشته است.

لنج‌سازی وسیله‌ای بوده که ارتباط و نزدیکی (و حتی بستگی فامیلی در اثر ازدواج) میان بومیان و امارات عربی ایجاد کرده است. بدین ترتیب لنج‌سازی نه تنها باعث دادوستد کالا میان ملل همجوار بوده بلکه وسیله استحکام ارتباط فرهنگی و اجتماعی میان این اقوام و کشورها شده است. در اینجا ذکر این نکته ضروری است، که صنعت دستی لنج‌سازی با پیدایش نفت و رواج دادوستد غیر رسمی رو به‌کاهش می‌گذارد و چوب و وسایل بلم و لنج از پاکستان و هندوستان وارد می‌شود. هفتم صنایع مربوط به ماهیگیری و ایجاد وسایل تور ماهیگیری سنتی در منطقه تولید می‌شود. به‌علاوه در زمینه نگاهداری ماهی و نمک‌سود کردن آن برای زمستان‌ها روشهای خاصی به‌کار می‌گیرند.

علل پژمردگی صنایع دستی هرمزگان

صنایع دستی فلزی در مجموع در منطقه همانند کل صنایع استان، منتج از ضعف زیربنای صنعتی؛ فقدان جاده‌ها، ارتباطات آب و انرژی است دوم بعد مسافت نسبت به مرکز حکومتی و وجود حکامان بیرحم محلی در گذشته و حمایت استعمار بیگانه از آنان در مقابل دولت مرکزی در لحظات ضروری به این ضعف صنعتی کمک کرده است. سوم وجود فضای ناامن و راهزنی دریائی در منطقه و بعدها رواج پدیده قاچاق کالا عقب ماندگی استان را تشدید کرده و صنایع دستی را از رونق انداخته است. چهارم ورود اجناس لوکس خارجی نظیر تک (نوعی حصیر) از چین و هنگ کنگ از طریق امارات مانع دیگری بر رشد صنایع دستی شده است.

پنجم رطوبت شدید و هوای گرم و اقلیم سوزان یکی از موانع رشد صنعت و صنایع دستی در هرمزگان است. ششم از همه مهمتر پیدایش نفت در خوزستان و به ویژه پس از آن در امارات عربی باعث دگرگونی‌هایی در سطح اشتغال و نیروی فعاله روستا شده است و مهاجرت‌هایی را در پی داشته است. هفتم این مهاجرت‌ها، روستاهای منطقه را که مراکز صنایع دستی بوده، از نیروی انسانی خالی کرده است.

مهاجرت روستائیان به خوزستان و هم چنین به امارات خود دگرگونی‌هایی در زندگی خانوادگی آنان به وجود آورده است. روستائیان با رها کردن زنان خود در روستا و با پول نقدی که از طریق کارگری به دست

می‌آوردند چند همسری را در دیار غربت رواج دادند. انتخاب چند همسری نه تنها از نظر اجتماعی قابل اهمیت بود بلکه نکات اقتصادی آن از نظر دور نماند: ۱- از نظر اجتماعی زنان به شکل موجوداتی منزوی در روستا باقی ماندند، بدون اینکه انگیزه حیات فراوان و تحرک اجتماعی داشته باشند و در نتیجه این مسئله عقب ماندگی آنان را بیشتر تشدید کرده است. با پولی که از امارات می‌رسید، زنان انگیزه‌ای برای کار در روستا و گسترش صنایع دستی نداشته و به بی تحرکی و مصرفی بودن تن دادند. نهم مهاجرین با ازدواج در امارات عربی صاحب امتیازاتی می‌شدند، که چیزی شبیه داشتن کارت سبز و اقامت دایم در کشورهای عربی است. ۷- دهم اگر مهاجرین پس از چند سالی به روستای زادگاه خود برمی‌گشتند، آنان با داشتن یک خانواده در امارات و خانواده دیگر در روستا دیگر نمی‌توانستند، برسم روستائی پیشین ادامه حیات دهند. بلکه ناچار بودند همچون دوران عشیرتی بیلاق و قشلاق کنند و دیگر از زراعت و صنایع روستایی کاملاً به دور بودند. چنین وضعی در شخص شرایطی را ایجاد می‌کند که انسان نه در زادگاه خود احساس خودی می‌کند و نه در خارج کشور احساس همبستگی با کسی دارد چنین بیگانگی از خود سرگردانی‌های بیشماری را به دنبال می‌آورد. چنان سرگردانی در نیروی فعال روستا لطمه اساسی به جامعه وارد می‌کند.

۷- ازدواج روستائیان در امارات باعث امتیازاتی برای آنان می‌شود از جمله این امتیازات تعمیر لنج هزینه بالایی دارد این هزینه برای افراد بومی رقم ناچیزی را تشکیل می‌دهد و کسانی که در آنجا ازدواج می‌کنند از این دو امتیاز بهره‌مند می‌شوند.

می شده است (آدمیت ص ۲۸۰). از ابریشم صنایع دستی از قبیل روسری، دستمال و چادرشب ابریشمی تهیه میشود (که به عنوان کادو به نوعروس می دهند) کارهای ابریشمی هم اکنون در کارگاههای اردوی کار گیلان و در دهات لنگرود، لاهیجان کم و بیش ادامه دارد.

ارتفاعات و کوهستانهای گیلان مرکز دامداری گالشی هاست. روستائیان آنجا از پشم حیوانات، شال، جوراب، دستکش، نمد و کلاه نمدی به ویژه در روستاهای قاسم آباد تهیه و تولید می کنند. سرعت صعودی هزینه و قیمت پشم تولیدات مذکور را کاهش داده است. صنعت قلابدوزی سابقاً " در رشت رایج بود، امروزه به علت فقدان توجه به کارهای دستی، تولید کارگاهها به حداقل تنزل یافته است، محصولات قلابدوزی بیشتر پرده گلدوزی، کرسی و رومیزی است و مواد اولیه عبارتند از ماهوت، نخ و ابریشم (مستوفی ۲۶). در کتاب گنج شایگان از گلدوزی روی ماهوت سخن رفته است. این نوع پارچه های گلدوزی شده را سوزنی می نامند (گنج شایگان ۸۵ و ۷۹) وجود خاک رس در یک کیلومتری شهر سیاهکل باعث شده که منطقه به تولید ظروف سفالین نیز بپردازد. سفالهایی که در گذشته در آنجا به دست می آمد با تصاویری از گنجشک، شتر، کرگدن مشخص شده است.

صنایع دستی این منطقه متأثر از جنگل و درختان جنگلی از قبیل: راش، توسکا، شمشاد، افرا، گردو، زیتون و غیره است. صنعت مربوط به چوب و نازک کاری در رشت از شهرت برخوردار است. تهیه چوب بزرگترین مشکل نازک کاران است. صنعتگران پس از تراش و سنپاده زدن محصولات را با نوعی لعاب می پوشانند که مخلوطی است از کلرو سلر، و از آن پس روی آنرا جلا می دهند. ظروف سالادخوری، شیرینی خوری، گلدان نمک پاش، سینی، کاسه، بشقاب، بشقاب دیواری (نقاشی شده با سیاه قلم و رنگی) ملاقه و قاشق، جاسیگاری و... تهیه و تولید می نمایند (صنعت نساجی ۱۱۲).

تهیه محصولات از بامبو ۸ در منطقه رواج دارد. از این ماده اولیه، ظروف میوه خوری، طبق نان، آباژور، جای قاشق و چنگال، تهیه می شود. ۹ حصیربافی نیز در دهات گیلان متداول است و از آن زیرانداز، زنبیل، کلاه، سقره و سبد تهیه می شود (صنعت نساجی ۱۳۱). حصیرنیز از محصولات مردابهاست. روستائیان گیلان از ساقه برنج برای پوشانیدن سقف خانه ها استفاده می کنند به علاوه از همین ساقه ها برای ایجاد سایبانها بهره برداری به عمل می آورند.

در قرن گذشته ابریشم یکی از بزرگترین رقم صادرات ایران را تشکیل می داده است بخش عمده ابریشم صادراتی در گیلان تولید

۸ - بامبو در مردابهای رشت، لاهیجان، انزلی و اطراف رودخانه ها می روید.

۹ - در اواسط قرن سیزدهم هجری به علت شیوع وبا (۱۸۴۲) تربیت گرم ابریشم و برنجکاری در گیلان کاملاً " نزول کرد و حتی کار بجایی کشید که از مازندران و سایر ایالات برنج به گیلان وارد می کردند (گنج شایگان ۲۱)

برای اطلاع بیشتر در زمینه ابریشم به کتاب آدمیت و کتاب نگاهی به لاهیجان مراجعه شود.

سیاهکل به علت وجود گل رس مناسب یکی از مناطق تولیدی سفالگری در گیلان به شمار می آید. ۱۰

صنایع دستی متأثر از دریا توربافی است که به رسم گذشته به مقدار کمی ادامه دارد. ماهی نیز در کماجدانهای گلی برای زمستانها که ماهگیری نادر است، نمک سود می شود. از گوش ماهیهای متنوع دریا تا بلوهای زیبا و زینتی تهیه می شود که معرف حس زیبایی شناسی اهالی است. صنایع تبدیلی

مرباسازی و تهیه و تولید عرق بهار و نارنج و بیدمشک از تولید مرکبات گیلان به شمار می آید.

صنایع دستی گیلان و مشکلات و امکانات

صنایع دستی گیلان برخلاف صنایع دستی هرمزگان با وجود مشکلات به حیات خود ادامه می دهد و از نقطه نظر اقتصادی با وجود تغییرات و تحولات حاصل پابرجاست. علت این است که اولاً "صنایع دستی خانگی بیشتر روستایی است و مکمل کشاورزی است. گیلان هم اکنون یکی از قطبهای مهم کشاورزی

کشور است. حدود بیش از ۵۰٪ برنج، ۹۰٪ درمچ چای و ۶۰٪ درصد زیتون کشور از این منطقه تامین می شود. ۱۲ اگر ابریشم رو به انزوا گذارده محصولات دیگر جانشین آن شده اند.

دوم در گیلان و سرتاسر کناره دریای خزر بازار روز و به اشکال متفاوت ادامه دارد و یکی از مراکز فروش صنایع خانگی و مشوق چنین صنایع روستایی است. سوم زنان روستایی گیلان (و مازندران) در کار صنایع دستی، کشاورزی و بازار روز نقش بس مهمی را برعهده دارند. ۱۳ چهارم نقش نفت و فاقچاق در روستاهای شمال بطور مستقیم مشاهده نمی شود، اما اشتغالزایی بخش خدمات و دکانداری از روند "توسعه و صنعتی شدن" نادرست برده برمی دارد و صدمه اساسی را به اشتغال مولد وارد می سازد.

جدول شماره یک توزیع جمعیت ده ساله و بیشتر در بخشهای اصلی فعالیتهای اقتصادی استان گیلان در دو سرشماری ۵۵ و ۱۳۴۵ را نشان می دهد.

۱۰ - گل رس در جویبار مازندران، مانند منطقه سیاهکل در گیلان از اهمیت برخوردار است در منطقه گویری می بد یکی از مناطق مهم سفالگری است و لاجینی همدان نیز از معروفیت برخوردار است برای اطلاع بیشتر به صفحات ۱۵۳ و ۱۵۲ رساله ناصر مستوفی و صنایع دستی تالیف بانک ملی ایران و تالیفات سازمان صنایع دستی ایران مراجعه شود.

۱۱ - تور از طناب ساخته می شود. در گذشته گشت گنف برای تولید طناب و تور رواج داشت. امروزه با ورود نایلن خارجی گشت گنف بسیار محدود شده است.

۱۲ - وزارت کشاورزی دفتر آمار و اقتصاد جغرافیای کشاورزی گیلان ۱۳۵۰

۱۳ - در حالی که در هرمزگان به علل پیدایش نفت در خوزستان و مهاجرت به امازات غربی و رواج چند همسری نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی کاهش یافته و جنبه کالای مقدس به آنان داده است. ازدواج و عروسی یک فرد سن با چند زن جوان پس از بازنشستگی و کار طاقت فرسای خلیج قیافه گریه به جامعه آنجا داده است که یادگار دوران زشت عشیرتی است.

درصد ۱۳۴۵	درصد ۱۳۵۵
کشاورزی	۴۵/۴
صنعت	۱۹/۶
خدمات	۳۵
۶۳	۲۱/۴

زیربنای صنعت: جاده و ارتباطات درگیلان به نسبت سایر نقاط ایران پیشرفته است مع الوصف صنعت ماشین بنابر احتیاج و تناسب در منطقه توزیع نشده است. بطور مثال از ۱۴۲۴۶ واحد صنعتی استان در حدود نصف (۱۱۳ واحد) آن در رشت مستقر شده و شهر آستارا تنها از یک واحد صنعتی برخوردار است. و این روند در توزیع نامتعادل صنعت در گیلان لطمه اساسی به صنعت ماشینی و به ویژه صنایع دستی زده است.

در جدول فعالیتهای اقتصادی در طی دهسال مشاهده می شود که چگونه تغییراتی در بخش اشتغال مشاهده می شود و کاهش تدریجی نیروی کشاورزی نه به سوی صنعت بلکه به سمت بخش خدمات و اشتغال کاذب یا نامولد است. بدین ترتیب است که نقش فعال کردن کشاورزی یا بکار گرفتن تکنیک در امور زراعی در بازدهی آن با تکمیل صنعت و به ویژه صنعت دستی روستایی نقش بس مهمی را ایفا می نماید. با وجودی که

- منابع و مأخذ:
- ۱. فریدون آدمیت، هما سابق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر
 - سند دوران قاجار، انتشارات آگاه، ۱۳۵۶.
 - ۲. احمد - اقتداری حلبی فارس، کتاب جوانان، برای آشنایی با فرهنگ و تمدن و سرزمین ایران، زیر نظر محمد علی اسلامی ندوشن، شرکت سهامی کتابهای جیبی ۱۳۵۶ و ۱۳۴۵
 - ۳. مدرس پاندهایس، بیخستند آرا میاب، پایان نامه لیسانس دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران ۵۶ - ۱۳۵۵.
 - ۴. سازمان برنامه و بودجه، گزارش وضع گذشته و موجود، سازمان برنامه و بودجه استان هنرستان ۱۳۶۱
 - ۵. مرکز سریار، صنعت نساجی ایران پایان نامه فوق لیسانس دانشگاه ملی ایران
 - ۶. واکر سیوری ایران، نشر صفویه ترجمه احمد صبا، کتاب تهران ۱۳۶۳
 - ۷. چارلر - عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران (قاجارید ۱۳۳۲ - ۱۳۱۵ ه. ق)
 - ۸. مرجمد یعقوب ارد، شرکت است (سهامی عام)، تهران ۱۳۶۲
 - ۹. جواد فدایی سا، رابطه شامل شنبان بنا در میاب با شیخ نشین های حلبی فارس
 - ۱۰. سید صادق کوهریز، حیدر الحق ابوعلی سبأ، کتابخانه ایران، تهران ۱۳۳۱
 - ۱۱. احمد ناصر سومی، صنایع دستی و سفن آن در مرحله صنعتی شدن ایران، فوق لیسانس دانشگاه ملی ایران، دانشکده حقوق ۱۳۵۰
 - ۱۲. وزارت کشاورزی، دفتر آمار و اقتصاد جغرافیای کشاورزی گیلان نشریه شماره ۱، سردرین ماه ۱۳۵۰.

۱۴ - بیش از نصف کارگاههای موجود (۱۳۲ واحد) به صنایع مواد غذایی اختصاص دارد. از میان کارگاههای بزرگ صنایع غذایی نیز ۳٪ آنها به تولید چای خشک مربوط است. صنایع چوب و کاغذ ۳۱ واحد % صنایع نساجی ۲۴ واحد بها و صنایع شیمیائی ۲۳ و صنایع کاشی غیر فلزی و صنایع ماشین آلات هر یک ۱۸ واحد است (وزارت کشاورزی)